

قانون درباره مرگ ناگهانی چه نظری دارد؟

یکی از مفاهیم اولیه‌ای که هر دانشجوی حقوق در ترم اول خود فرا می‌گیرد این است که شخص کیست؟ این پرسش از این نظر مهم است که موضوع احکام حقوقی را تعیین می‌کند.



یکی از مفاهیم اولیه‌ای که هر دانشجوی حقوق در ترم اول خود فرا می‌گیرد این است که شخص کیست؟ این پرسش از این نظر مهم است که موضوع احکام حقوقی را تعیین می‌کند.

شخص در حقوق به دو دسته حقیقی و حقوقی تقسیم می‌شود. می‌گویند شخص حقیقی یا همان افراد در جامعه انسانی از زمان تولد (در برخی نظرات) و از زمان انعقاد نطفه آغاز می‌شود و در زمان مرگ هم به پایان می‌رسد. حقوق به عنوان تنظیم کننده روابط جامعه انسانی، از زمان تولد تا مرگ در جامعه اقدام به قاعده گذاری می‌کند. در این شرایط، مرگ جایگاه ویژه‌ای در این قاعده گذاری دارد.

علت جایگاه ویژه مرگ این است که آدمی حقیقی تحت عنوان حق حیات دارد. حق حیاتی که به عقیده عالمان حقوقی برترین حق بشری است و اگر قرار به اولویت گذاری باشد اولی ترین آنهاست. زیرا اگر حق حیات نقض شود دیگر آدمی باقی نمی‌ماند که بخواهیم حقوقی را برای او تصور کنیم. از زاویه دیگر یعنی زاویه اجتماعی هم مرگ مهم است. مرگ یعنی پایان یکی از اعضای جامعه انسانی که می‌تواند تحت عنوان سرمایه اجتماعی مورد استفاده جامعه قرار گیرد. از این زاویه است که قتل در همه جوامع انسانی جرم انگاری شده است، اما قتل تنها شیوه سلب حیات از آدمی نیست و در برخی از موارد یک حادثه طبیعی، عارضه بدنی یا حتی یک اتفاق باعث می‌شود که حیات از آدمی سلب شود.

قانون گذاران در سراسر جهان و از جمله ایران برای قاعده گذاری بر مرگ که آخرین حادثه زندگی یک انسان است معتقدند باید اسنادی (در حقوق ایران گواهی فوت و جواز دفن) هنگام فوت یک فرد تهیه شود که نشان دهد مرگ وی به صورت غیرطبیعی نبوده است. مرگ غیرطبیعی پای مسئولیت سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی را به میان می‌آورد و دولت‌ها می‌خواهند که فرد مسئول در مقابل مراجع قضایی حاضر شود و توضیح دهد. خواه این مرگ غیرطبیعی به صورت سهوی بوده مثل تصادف رانندگی یا وقایع کارگاهی برای کارگران یا به صورت عمدی باشد مثل قتل. مثال مرگ طبیعی هم این است که فردی سالمند یا حتی جوان پس از مدت‌ها بیماری و در حالی که دیگران انتظار داشتند او از دنیا برود، جان خود را از دست بدهد.

حال فرضی را تصور کنید که یک جوان یا حتی فرد سالمند به شکلی کاملاً ناگهانی و خلاف انتظار اطرافیانش از دنیا برود. در این هنگام است که پای قانون و مراجعه قضایی به میان می‌آید. گام نخست این فرآیند قضایی مربوط به پزشکی است که گواهی فوت را صادر می‌کند. هر فردی که شماره نظام پزشکی داشته باشد می‌تواند این گواهی را صادر کند. فرقی هم نمی‌کند که این گواهی در منزل، خیابان یا در مطب پزشک صادر شود. مهم این است که او با معایناتی تأیید کند که فرد از دنیا رفته است. با این حال پزشکان طبق قواعد قانونی و اخلاق حرفه‌ای خود باید در صورتی که مورد مشکوکی را دیدند گزارش کنند. مثلاً فرض کنید که پزشک آثار کبودی را روی بدن فرد ببیند یا متوجه شود که او به علت خوردن ماده سمی از بین رفته است. در این صورت او باید گزارش این موضوع را به مراکز قضایی بدهد و از صدور گواهی خودداری کند زیرا پزشکان فقط مجاز به صدور گواهی فوت مرگ طبیعی و بر اثر بیماری هستند.

اما اگر مرگی ناگهانی و به صورت غیرطبیعی رخ داده باشد، مثل همه مرگ‌های غیرطبیعی، پزشکی قانونی مسئول صدور گواهی فوت و مجوز دفن است. در این شرایط باید یک پزشک قانونی را با لحاظ تعرفه این سازمان به سر وقت جسد برد یا این که جسد را به پزشکی قانونی تحویل داد تا پس از معاینه کامل علت مرگ او معین شود و در صورتی که مورد خاصی نبود مجوز دفن او را صادر شود. (ماده یک قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی)

بهتر است بدانید که دادستان هم حق ورود به چنین مسأله‌ای را دارد. در صورتی که احتمال نقض حیات کسی باشد و او مشکوک به انجام جرم شده باشد و او به نحوی از این ماجرا مطلع شود به پرونده ورود پیدا می‌کند و آن‌گاه با استفاده از ابزارهای قانونی مثل پزشکی قانونی و نیروی انتظامی به جستجوی علل مرگ می‌پردازد. (ماده 3 و 4 قانون آیین دادرسی کیفری)

در مرگ‌های ناگهانی، اغلب احتمال بروز حادثه‌ای وراثت دانسته‌های اطرافیان می‌رود. به همین سبب موضوع مشکوک می‌شود و چون موضوعی مهم به نام سلب حق حیات است، پای دولت (به معنای اعم) را وسط می‌کشد تا مجرمان احتمالی را دستگیر کند و به سزای مجازات خود برساند یا این که با شفاف سازی از علل مرگ فرد و گفتن این که او به مرگ طبیعی فوت

کرده، امنیت را به شهروندان بازگرداند.

مصطفی مسجدی آرانی / جام جم